وابستگی به نفت کلید اقتصاد ما را دردست خارجی ها گذاشته است

گفت و گو : عارف واحد ناوان

بخش اول

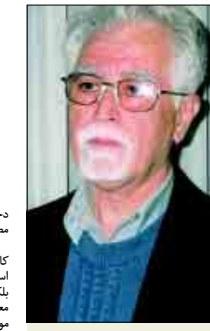

در حالی که کشورهای غربی با آغاز قرن نوزدهم انقلاب صنعتی را راه انداختند و چهار اسبه به سوی صنعتی شدن تاختند مانه تنها در جا زدیم بلکه عقب نیز نشستیم.

نیاز کشورهای صنعتی به مواد خام ما و روی کار آمدن دولت های ضعیف و بی کفایت همواره دخالت خارجی ها در امور ایران مانع از آن شد تا فکری اساسی برای برون رفت از بحران اندیشیده شود از این رو جنبش های اصلاح خواه یا خیانت نیروهای داخلی و مداخله و حمایت های خارجی ها یکی پس از دیگری شکست خورد و ایران به وارد کننده کالاهای خارجی و صادر کننده نفت خام تبدیل شد. این روند تا پیروزی انقلاب تداوم پیدا کرد ۸ سال جنگ و بازسازی های پس از جنگ مانع از آن شد تا آنچنان که باید حل بحران های اقتصادی در اولویت قرار گیرد.

ایران که از جامعه جوانی برخوردار است با مشکل بیکاری و به تبع آن اعتیاد، فساد، دزدی و ناهنجاری های اجتماعی دست در گریبان است. پدیده مهاجرت، فرار سرمایه از کشور مهمتر از همه فاجای کالا به ایران مزید بر علت شده تا بر پیچیدگی های این بحران افزوده شود. اما بر اساس آرا ماهی برای خارج شدن از این بحران وجود دارد؟

دکتر شاپور رواسانی که نزدیک به ۳۰ سال در دانشگاه های کشور آلمان به تدریس رشته اقتصاد اجتماعی مشغول بود به سؤالات ما جواب می دهد و او معتقد است برای خارج شدن از بحران اقتصادی باید اراده انجام این کار درمیان دولتمردان حاکم باشد تا دانشگاهیان بتوانند با مطالعه بر بافت های اجتماعی کشور نسخه ای کارساز برای این بحران بپیچند.

عضو هیأت علمی دانشگاه «الدنبورک» از اینکه به رشته اقتصاد اجتماعی در کشورهای جهان سوم بویژه ایران بها نمی دهند گله مند است و راه اندازی این رشته را در دانشگاه های اقتصادی ایران ضروری می داند. آنچه در پی می آید گفت وگو با این اقتصاددان است.

*** شما زندیک به ربع قرن در دانشگاه های آلمان استاد کرسی اقتصاد اجتماعی بودید. پیش از وارد شدن به بحث پیرامون رشته ای که در دانشگاه تدریس می کردید اندکی توضیح دهید؟**

- من در آلمان رشته اقتصاد اجتماعی کشورهای در حال رشد را تدریس می کردم. بطور سنتی نه در دانشگاه های ایران بلکه در دانشگاه های اروپا سال ها علوم سیاسی اقتصادی و علوم اجتماعی جدا از هم تدریس می شد اما در پدیده های اجتماعی عوامل سیاسی، اقتصادی و فرهنگی دخیل هستند به نحوی که جدا کردن این ها از هم و انکار اثرات متقابل آنها از هم غیر ممکن است از همین روی و پس از جنبش های دانشجویی که در اواخر دهه ۱۹۶۰ در فرانسه و آلمان رخ داد و منجر به تجدید نظر در دروس دانشگاهی شد این اندیشه شکل گرفت که در دانشگاه های تازه راه اندازی شده رشته هایی را تدریس کنند که وحدت فرهنگ، سیاست و اقتصاد را در نظر بگیرد و باتوجه به آن به تحلیل پدیده های اجتماعی بپردازند. به همین جهت در دانشگاه الدنبورک که یک دانشگاه جدید التأسیس در آلمان بود کرسی اقتصاد اجتماعی را بنیان گذاری کردند تا علل اجتماعی رویداد های اقتصادی و اثرات اجتماعی تصمیمات اقتصادی و یا بالعکس مطالعه شود.

هنوز بعضی ها از آدام اسمیت و ثروت ملل حرف می زنند درحالی که آن اقتصاددان بزرگ کتاب خود را در زمان جنگ های استقلال آمریکا نوشت و از آن زمان تا به حال اقتصاد جهان منطقه و ایران دچار تغییرات فاحش شده است.

بطور مثال اگر بحث واردات پیش بیاید صاحبنظران این رشته دنبال این نخواهند بود تا آماری در این زمینه ارائه دهند مهم این است که اثرات اقتصادی و به تبع آن اثرات اجتماعی واردات آن کالا مطالعه شود. آیا واردات این کالا موجب بیکاری می شود یا نه؟ آیا بافت اجتماعی آن کشور با وارد کردن آن کالا به هم می خورد یا نه؟

در بحث های اقتصادی یک کشور بین معدن، کشاورزی و صنعت رابطه ای برقرار است اگر یک کالای صنعتی را مطالعه کنید متوجه می شوید که ماده خام آن کالا از طبیعت گرفته شده است تغییراتی حاصل شده و به آن شکل نهایی تبدیل شده است یعنی از یک سلسله ارتباطات اشتغال زا مثل کار، مزد و پخش گذشته است. یا یک کالای تمام شده مثل یک اتومبیل را نگاه کنید ترکیب آن از شیشه، آهن، لاستیک یعنی اجزای کالای مختلفی تشکیل شده اند تا آن اتومبیل درست شود. پس در جامعه یک رابطه افقی و یک رابطه عمودی وجود دارد و این روابط افقی و عمودی فقط تبدیل نیست بلکه توزیع و مصرف هم در آن دخالت دارند در اینجا بحث مزد و مالکیت و غیره مطرح می شود.

بنابراین وقتی از نظر اقتصادی واردات یک کالا به یک کشور را بررسی می کنید نه فقط ممکن است جلوی تولید همان کالا در آن کشور بگیرید بلکه به صورت نامرئی موجب به هم خوردن رابطه معدن، کشاورزی و صنعت می شود و در نتیجه موجب یک سلسله بیکاری در جامعه می شود که متأسفانه مرئی هم نیست. اتومبیل وارد می شود اما در معدن هم بیکاری ایجاد می شود. در ارتباطات و کشاورزی هم این مشکل ایجاد می شود. بیکاری یک پدیده اجتماعی است. بنابراین وقتی بحث واردات پیش می آید مهم این نیست که چقدر کالا به کشور وارد شد بلکه مهم این است در سیستم مزد، تولید و اشتغال چه تغییراتی ایجاد می شود.

اگر دنباله این کار رابگیریم متوجه می شویم که بیکاری موجب تحولات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی همه می شود.

*** در ایران به این موضوع توجهی نشده است و چنین رشته ای در دانشگاه های ایران تدریس نمی شود با توجه به اینکه این رشته در دهه ۱۹۶۰ در اروپا تدریس می شد چرا در کشور ما هنوز این فکر جا نیفتاده است که چنین کرسی را در دانشگاه دایر کنند؟**

- من حدود ۵ سال است که بازنشسته شده ام در آلمان وقتی استادی بازنشسته می شود با کشورهای «آنگلو ساکسون» تفاوت دارد. تفاوت اینجاست که استادی که از دانشگاه بازنشسته می شود همچنان در هیأت علمی باقی می ماند اگر قصد بازگشت به آلمان را داشته باشم آنها برایم مجدداً ترم می گذارند و من وقتی بازنشسته شدم ترجیح دادم به کشورم بازگردم و به دانشگاه های ایران اظهار علاقه کردم که حاضرم چنین رشته و کرسی را در دانشگاه دایر کنم. ولی هیچ واکنشی در برابر این خواسته من نشد. من با دیگران نمی توانیم کسی را مجبور به این کار کنیم و یا مثلا برویم در حیاط دانشگاه چادر بزنیم! ولی کوشش می کنم از راه نوشتن، شرکت در کنفرانس ها و گفت وگوها و غیره به کارم ادامه دهم.

*** سؤال اینجاست که اقتصاد دان های ما و کسانی که طرح های اقتصادی برای کشور می دهند چه اندازه به تأثیرات اقتصاد به جامعه و بالعکس فکر می کنند و مسائل اجتماعی را در نظر می گیرند.**

- متأسفانه کم، وقتی در مورد یک موضوع اقتصادی نظریه ای ارائه می شود باید مجموعه در نظر گرفته شود یعنی اقتصاد یک کشور را نمی شود موضعی حل کرد برای اینکه همه رشته های اقتصادی در رابطه با هم هستند. در ایران اغلب برنامه هایی که ارائه می شود پراکنده است و به هیچوجه مجموعه در نظر گرفته نمی شود.

نکته دیگر این است که اقتصاددانان ما در بحث های اقتصادی تنها از تولید حرف می زنند و از توزیع و مصرف حرف نمی زنند این در حالی است که تولید در رابطه با توزیع و مصرف قرار دارد بنابر این تنها پرداختن به بحث تولید ناقص است.

یعنی بحث انواع مالکیت ها مطرح می شود وقتی اینها در نظر گرفته شود و برنامه ای داده شود باید اینجا مشخص شود که برنامه تولید را در چارچوب کدام شیوه، تولید عرضه می کنید؟ با توجه به اینکه کشور ما برده داری فئودالیسم، سوسیالیست و کمونیسم نیست، سرمایه داری کلاسیک هم نیست برای اینکه سرمایه داری کلاسیک که در اروپا پا گرفته و رشد کرد یک فرایند تاریخی، اجتماعی و اقتصادی خاص خود را طی کرد. سؤال پیش می آید که شیوه تولید مسلط در کشور ما چیست؟

ما اینجا روابط اقتصادی اعم از تولید، توزیع، مالکیت و غیره را داریم باید امکان ها و اجبارها را تشخیص دهیم و با توجه به امکانات، اجبارها را برطرف کنیم از آن گذشته با شناخت شیوه مسلط تولید کنونی باید هدف ها را مشخص کنیم یعنی یک استراتژی عامل باید داشته باشیم باز هم تأکید می کنم ما باید شیوه مسلط تولید خود را پیدا کنیم چون وقتی شیوه تولید مسلط مطرح شد چگونگی ابزار تولید، روابط تولید و در این رابطه توزیع و مصرف مطرح می شود. یعنی یک دید کلی و عمومی در رابطه با اقتصاد ایجاد می شود با شناخت شیوه تولید مسلط و در چارچوب آن و با توجه به امکانات و اجبارها می توان برنامه درست ارائه داد. بطور مثال در کشورهای صنعتی جهان اگر وزیر اقتصاد برنامه ای می دهد او می داند که در چارچوب کدام شیوه تولید این برنامه ها را ارائه می دهد. بنابراین حدود و هدف های برنامه مشخص است اما متأسفانه هنوز ما در ایران به این سؤال پاسخ نداده ایم که شیوه تولید مسلط ما چه است؟ و چون جواب نداده ایم کوشش می کنیم برنامه های پراکنده بدهیم. سعی می کنیم مشکلات را موضعی حل کنیم. بنابراین، این واقعیت تلخ را باید بپذیریم که ما ناکام خواهیم ماند.

*** بیشتر اقتصاددان هایی که طرح های اقتصادی می دهند از تحصیلکرده های کشورهای اروپایی هستند آنها در دانشگاه های دروس اقتصادی دانشمندان اروپایی و غربی را مطالعه کرده یا روند پیشرفت این کشورها را از نزدیک لمس کرده اند. آنها سعی در پیاده کردن الگوی خارجی ها در کشور هستند اما آیا الگوی پیشرفت خارجی ها برای کشور ما می تواند کارساز باشد؟**

- اکثر اقتصاددان های کشور ما که کتاب هایی را که در دوره دانشجویی خوانده اند و مطالعه کرده اند را سعی می کنند پیاده کنند متأسفانه هنوز بعضی ها از آدام اسمیت و ثروت ملل حرف می زنند درحالی که آن اقتصاددان بزرگ کتاب خود را در زمان جنگ های استقلال آمریکا نوشت و از آن زمان تا به حال اقتصاد جهان، منطقه و ایران دچار تغییرات فاحش شده است. از آن کتاب به عنوان کتاب درسی و تاریخ اقتصاد می شود استفاده کرد اما ما نمی توانیم از روی آن کتاب و کتاب های مشابه آن نسخه هایی را برای اقتصاد کشور بپیچیم. همین طور ما نمی توانیم از جامعه سوسیالیستی الگوبرداری کنیم چون ما در جامعه خود با بافت تاریخی مشخص و معینی سروکار داریم. مثالی بزنم در کتاب های اقتصادی که غربی ها در مورد کشاورزی نوشته اند هیچ اشاره ای به زمین های وقفی پیدا نمی شود چون چنین چیزی در کشورهای غربی وجود ندارد اما اگر در ایران بخواهید در مورد زمین های کشاورزی طرحی را بدهید باید موضوع زمین های وقفی را هم درنظر بگیرید. بنابراین مسأله ما مسأله خاص جامعه ما است. متأسفانه اقتصاددان های کشور ما چه از نظر علمی و چه از نظر تئوری با جامعه خود بسیار بیگانه رفتار می کنند.

*** با نگاهی به روند صنعتی شدن اروپا ما متوجه عقب ماندگی هایی در حوزه های صنعت و اقتصاد و غیره می شویم اگرچه پیرامون علل عقب ماندگی ایران کتابها و مقاله های زیادی نوشته شده است اما شما از این عقب افتادگی را در چه می دانید؟**

- ایران از قرن ۱۹ وارد بازار جهانی سرمایه داری شد. این بازار مشخصات خاص خود را دارد یعنی کشورهای سرمایه داری به علت سیستم خود کالاهای ساخته شده خود را به کشورهای جهان سوم، توسعه نیافته و یا در حال توسعه صادر می کنند. این کشورها در مقابل کالاهای معدنی و کشاورزی را وارد می کنند.

کشور ما از قرن ۱۹ با چنین پدیده ای سروکار پیدا کرد نتیجه این شد که مسأله واردات و صادرات که آن زمان یک مسأله جانبی بود و بخشی از اقتصاد کشور را تشکیل می داد تبدیل به یک عامل عمده شد چون کالاهای صنعتی ساخته شده وارد بازارهای ایران شدند بالعکس مواد معدنی و کشاورزی ایران در کشورهای صنعتی بازار پیدا کرد. نتیجه ورود کالاهای ساخته شده غربی به کشور این شد که بافت اجتماعی و کشاورزی ایران تغییر پیدا کرد و دیگر اینکه از آنجا که کالا وارد ایران می شد صنایع باید به آن شکلی که ما فکر می کردیم به دلیل آشنایی با جهان سرمایه داری بوجود می آمد که به وجود نیامد و صنایع شکل گرفته هم ضعیف شد و ایران تبدیل به کشور صنعتی نشد.

درواقع سیل ورود کالاهای خارجی مانع از صنعتی شدن کشور شد.

متأسفانه همراه کالاهای خارجی سرمایه خارجی هم وارد کشور شد. سرمایه خارجی از اوایل قرن ۲۰ روی صنعت نفت ایران دست گذاشت ورود کالا و سرمایه خارجی موجب بروز تحولات سیاسی هم شد. دولت انگلستان بخاطر حفظ منافع خود در مشروطه دخالت کرد و سلسله پهلوی را بوجود آورد. تأمل بر این نکته لازم است که سرمایه خارجی بخاطر حفظ وجود خود در بافت سیاسی یک کشور هم دخالت می کند. بنابراین در این دوره در ایران طبقه ای از اشراف، مالکان بزرگ، سیاستمداران، خوانین و غیره بوجود آمد که وابسته به خارج شد و اینها عامل اجرای سیاست خارجی شدند. چنین طبقه ای را هرگز در دوره های پیشین تاریخ ایران نداشتیم و این عاملی شد تا خارجی ها بر اقتصاد ایران اثر گذارند.

کشاورزی ایران منحرف شد به طور مثال تا پیش از ورود ایران به بازارهای جهانی تولید تریاک در کشور محدود بود اما از اول قرن ۱۹ تولید تریاک در ایران به علت صادرات آن به چین و هندوستان بالا رفت. این تغییرات موجب شد در ایران سرمایه تجاری به جای اینکه متوجه صنعت شود متوجه کشاورزی شد درحالی که در اروپا سرمایه تجاری موجب صنعتی شدن جامعه شده بود در مقابل ما تجار زمین دار پیدا کردیم.

به نظر من این شیوه تولید که با سلطه کالا و سرمایه خارجی شکل گرفت موجب عدم انباشت سرمایه در ایران شد. در اینجا ما با فرار سرمایه سروکار داریم و من اسم این را شیوه تولید مستعمراتی می گذارم چون انباشت در کشور ما به طور عمده صورت نمی گیرد. سرعت انباشت ثروت بیشتر از انباشت سرمایه است و این موجب پیدایش یک قشر ثروتمند شده است. کشور صنعتی نشده، کشاورزی به خارج وابسته باقی مانده است با این وجود اقتصاد ایران کاملاً وابسته به خارج است در حال حاضر تولید عمده ما نفت خام و گاز طبیعی است. با وجود اینکه ایران از قرن ۲۰ با نفت سروکار دارد اما متأسفانه هنوز هم متخصصان عالی ما باید در لندن دوره ببینند! یعنی هنوز ما صنایع وابسته به نفت را توسعه نداده ایم. نفت فرآورده های زیادی دارد حتی در بخش کشاورزی هم از آن استفاده می شود آخرین فرآورده نفت جوراب زنانه است! اما هنوز ما نفت خام صادر می کنیم درحالی که اگر کشور صنعتی می شد ما باید فرآورده های نفتی را صادر می کردیم ما با نفت خام و گاز طبیعی خود موجب پیشرفت و صنعتی شدن اروپایی ها، آمریکا و ژاپن شدیم اما خودمان وابسته هستیم. درآمد کشور ما به نفت وابسته است. قیمت نفت دست ما نیست بنابراین اقتصاد ما وابسته با نوسانات قیمت در جهان است. قیمت نفت بالا بر دول داریم و اگر پایین بیاید پول نداریم. زمانی که ملت ایران در جریان نهضت ملی شدن نفت به رهبری دکتر مصدق تصمیم گرفت خودش را از سلطه انگلستان آزاد کند و حاکمیت خود که حق طبیعی به نفت وابسته است اعمال کند بازارهای نفت را به روی ما بستند. جلوی صادرات نفت را گرفتند و ایران دچار کمبود ارزی شد. الآن هم اگر تحریم نفتی بشویم دچار مشکل می شویم درحقیقت شیشه جان ما دست آنهاست. تجربه تلخ محاصره دوره دکتر مصدق را نباید فراموش کنیم در آن زمان دکتر مصدق یک کشتی نفتی را با ایتالیا معامله کرده بود. انگلیسی ها این کشتی را در دریای سرخ در بندر عدن توقیف کردند و گفتند این نفت مال ماست! مال ایران نیست!

راه حل هنوز دست آنهاست. درست است که ما لوله های نفتی به شرق و غرب کشیده ایم اما اگر لوله را قطع کنند چکار باید بکنیم. ما الآن چند میلیون صرف استخراج نفت می کنیم در مقابل چند میلیارد درآمد نفت داریم آیا با این پول نمی شد اقتصاد ایران را صنعتی کرد تا حداقل مایحتاج داخلی فراهم شود. هیچ کس مدعی قطع رابطه با دنیا نیست ولی روابط خود را می توانیم برحسب احتیاجات و منافع ملی تنظیم کنیم. باید به این واقعیت اعتراف کرد که تا زمانی که ایران مشکل واردات و صادرات را حل نکند در زمینه صنعتی شدن شانس نخواهد داشت.

بسمه تعالی

آگهی استخدام پیمانی (ویژه ساکنین استان تهران)

سازمان پژوهشهای علمی و صنعتی ایران برای تأمین و تقویت نیروی انسانی مورد نیاز خود از محل مجوز شماره ۲۵۲۹۶/ت/۲۵۰۸۶ مورخ ۱۳۸۰/۵/۲۹ هیأت وزیران از بین قبول شدگان آزمون استخدام اداری تعداد ۷ نفر از افراد واجد شرایط ذیل را در گروه شغلی ۸ از طریق مصاحبه تخصصی و گزینش برای خدمت در تهران به صورت پیمانی استخدام می نماید:

ردیف	گروه امتحانی	زیر گروه امتحانی	عنوان رشته و طبقه شغلی	تعداد مورد نیاز	شرایط احراز
۱	اداری و مالی	اداری	کارگزین ۲	۱	دارا بودن لیسانس در یکی از رشته های امور اداری و مدیریت، اقتصاد
۲	فنی و مهندسی، فرایری داده ها	فنی و مهندسی	کارشناس تولید و بهره وری ۱	۵	دارا بودن لیسانس مهندسی تولید و بهره وری مهندسی صنایع، مدیریت صنعتی، مدیریت دولتی، مکانیک، شیمی
۳	فنی و مهندسی، فرایری داده ها	فرایری داده ها	تحلیل گر سیستم ۱	۱	دارا بودن لیسانس مهندسی کامپیوتر، علوم کامپیوتر

نحوه ارسال مدارک و مهلت ثبت نام:
متقاضیان واجد شرایط که مستخدم رسمی یا پیمانی دستگاه های دولتی نبوده و منع قانونی و قضایی برای استخدام ندارند می بایست، مدارک لازم را حداکثر تا تاریخ ۱۳۸۳/۱۲/۲۷ با پست سفارشی به صندوق پستی: ۱۱۱-۳۷۵۷۵ ارسال نمایند.

زمان و محل برگزاری مصاحبه:
زمان و محل برگزاری مصاحبه تخصصی متعاقباً به نحو مقتضی به اطلاع داوطلبان خواهد رسید.

شرایط اختصاصی استخدام:
افرادی که به زبان انگلیسی و علوم رایانه تسلط دارند در اولویت می باشند.

مدارک مورد نیاز:
تکمیل برگ درخواست شغل به همراه تصاویر کارنامه قبولی در آزمون ادواری، آخرین مدرک تحصیلی، شناسنامه، پایان خدمت یا معافیت دائم، رسید بانکی به مبلغ ۲۳/۳۰۰ ریال به حساب جاری ۹۸۰ خزانه نزد بانک مرکزی قابل پرداخت در کلیه شعب بانک ملی ایران (ایثارگران از ۵۰٪ مبلغ مذکور معاف می باشند)، دو قطعه عکس ۳×۴ جدید، تمام رخ، پشت نویسی شده (یک قطعه آن را بالای برگ درخواست شغل الصاق نمایید).

تذکرات:
۱- ایثارگران، بسیجیان و معلولین عادی در صورت ارسال گواهی از مراجع ذیصلاح از اولویت های مقرر در قوانین و مقررات مربوطه بهره مند خواهند شد.
۲- در صورت ارایه اطلاعات خلاف واقع توسط داوطلبان با آنان طبق مقررات رفتار خواهد شد.

سازمان پژوهشهای علمی و صنعتی ایران

بسمه تعالی

برگ درخواست شغل سازمان پژوهشهای علمی و صنعتی ایران

در این قسمت چیزی ننویسید — محل الصاق عکس — شماره پرونده

الف- مشخصات علمی - فاضلاه ای
۱- نام نانوادگی
۲- نام
۳- نسبت
۴- محل صدور شناسنامه
۵- شماره شناسنامه
۶- تاریخ تولد
۷- محل تولد
ب- مشخصات تحصیلی
۸- مدرک تحصیلی
۹- دانشگاه محل تحصیل
۱۰- رشته و گرایش تحصیلی
۱۱- معدل
ج- شغل مورد درخواست
۱۲- گروه امتحانی داوطلب در آزمون استخدامی
۱۳- زیر گروه امتحانی داوطلب
۱۴- رتبه فرد در زیر گروه مربوطه
۱۵- شغل مورد تقاضا (فقط یک شغل)
د- سایر موارد
۱۶- وضع خدمت وظیفه — انجام داده — معاف داده
۱۷- دین مذهب ایثارگری — مقاومت — افراد بومی
در صورت ایثارگری، نوع ایثارگری — مرجع تأیید کننده
۱۹- نشانی کامل داوطلب، استان — شهرستان — خیابان
کوچه — شماره — کد پستی
۲۰- شماره تلفن ثابت — کد شهرستان
صحت کلیه موارد بالا به تأیید می رسد
نام و نام خانوادگی
تاریخ